گفت‌وگو با حبیب‌الله صادقی درباره «هنر مقاومت»

هنر مقاومت، جهانشمول است

«حبیب‌الله صادقی»، نقاش و متولد ۱۳۳۶ است. وی که تاکنون در عرصه نقاشی و تجسمی به خلق آثاری ارزشمند دست یازیده، از فعالان اصلی نقاشی دوران انقلاب و جنگ است که لحظه‌های ناب و تاریخی آن سال‌ها را روی بوم‌های نقاشی ماندگار کردند و برای همیشه به ثبت رساندند. صادقی، علاوه بر پشت سر گذاشتن مدارج عالی تحصیلی در رشته هنر، تا به حال مسئولیت‌های مهمی را نیز در امور مدیریتی حوزه تجسمی مانند مدیرعامل مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، عضو واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری، عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، عضو هیأت داوران دوسالانه نقاشی ایران، عضویت در هیأت داوران نخستین دوسالانه طراحی ایران، دبیر همایش نخستین دوسالانه بین‌المللی نقاشی معاصر جهان اسلام، دبیر دومین دوسالانه نقاشی معاصر جهان، دبیر نخستین دوسالانه بین‌المللی پوستر جهان اسلام و ... را بر عهده داشته است و هم اکنون ریاست موزه هنرهای معاصر و دفتر امور هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را عهده‌دار است. با او که عضو شورای سیاستگذاری و هیأت علمی و داوری نمایشگاه هنر مقاومت است، در خصوص مبانی و زیر ساخت‌های فکری و اندیشه‌های هنر مقاومت و کارکرد آن در زمان حال به گفت‌وگو نشستیم.

[پروانه توکلی]

■ چه تعریفی از هنر مقاومت دارید؟ با توجه به ویژگی‌های این جنبه از هنر چه نقش یا کارکردی می‌توان از آن انتظار داشت و اساساً این روزها چقدر به آن احساس نیاز می‌شود؟

هنر مقاومت تنها به فضای فرهنگی، اجتماعی ایران اختصاص ندارد. این هنر، هنر انسان تعالی‌خواه و آرمانگری است که برای تعادل و تناسب و صلح و کرامت انسان‌ها تلاش می‌کند و این در اندیشه هنرمندانی است که در جست‌وجوی این معنا هستند و آنان را به نوع دیگری از دریافت متوجه می‌کند. دریافتی که صرفاً هنر محض یا بیان حظ بصری یا عینیت گرایی محض یا تجربه ناب و مجرد نیست؛ روزنه‌ای است که تعالی و آزادی انسان‌ها را جست‌وجو می‌کند و هنرمند دانش و بینش را به آن اختصاص می‌دهد بخصوص در یکصد سال اخیر با وجود روایت‌های جدید تصویری که به ترکیبات تازه‌ای رسیده است و بر همین اساس جنس نقاشی که رویکرد آتلیه‌ای و نگارخانه‌ای نداشته و رویکرد اجتماعی داشته، دارد شکل می‌گیرد. البته گاهی یک ادبیات ژورنالیستی و سیاسی هم از این پروسه متبادر می‌شود که هزینه‌های خاصی برای روایت‌های اجتماعی خاص و معرفی گلوگاه‌ها و سیستم‌های اجتماعی دارد که هنرمندان گاهی با شعار دولتی و علاقه‌مندی به یک طبقه خاص آثاری را خلق می‌کنند و به دنبال گونه‌ای انسان برتر و خاص می‌گردند و در صورت تشویق یک گروه، مقابل گروه دیگرند. ولی اندیشه دینی و اسلامی صلح همگانی را جست‌وجو می‌کند و حقایقی را که انسان با معرفت و تعالی خواه به دنبال آن است و چون نشانه‌ها الهی و قرآنی است، هنرمندی که این اندیشه را دارد، جلوه‌های دیداری اش و حرکت تصویری اش در این عالم از یک معنای الهی و خدا جویانه نشأت می‌گیرد. بنابراین هنر مقاومت یک پدیده و روایت تصویری، تاریخی است که در کشورهای مختلف دنیا اتفاق افتاده. مانند قیام دهقانان و بردگان در کوبا و قیام آمریکای لاتین، شیلی و... و انسان‌های مظلوم و فداکار قهرمانان اصلی این آثار هستند.

■ چه مواردی را چه تمایز محتوایی این هنر در ایران، در مقایسه با کشورهای دیگر دنیا می‌دانید؟

هنر مقاومت یک پیام کلی است که انسان فداکار و عزتخواه را هنگام مقاومت در برابر ظلم و بی‌تناسبی همراهی می‌کند و از نشانه‌ها و سمبل‌هایی استفاده می‌کند تا ظالم را سر جایش بنشاند. جنس پایداری در همه دنیا به این شکل است. مثلاً در محاصره لنینگراد آثار هنر همه نقاشان و کاریکاتوریست‌ها در نمادها و نشانه‌ها یک شکل بود. در هر فرهنگی اسطوره‌ها و اسوه‌ها نقش‌های کلیدی دارند. مثلاً در انقلاب مکزیک، در نقاشی‌های دیواری چهره زاپاتا را می‌بینیم با اسبش و این که او به گونه‌ای در محاصره قرار می‌گیرد و شهید و کشته می‌شود و اسب او پیام را برای مردم می‌آورد که این اسوه‌ها و اسطوره‌ها در ادبیات گذشته ما هم وجود دارد. نیک اختر انی که مثل سیاوش به دلیل صلابت و پاکی از روی آتش رد می‌شود و به او آسیبی نمی‌رسد. کهن الگوها و اسطوره‌های تاریخی که در اندیشه تاریخی مردم وجود دارد، همیشه در مقابل مفاهیمی مثل شجاعت، عدالتخواهی و عزتخواهی، داستان‌های باشکوهی را روایت می‌کنند. در دوره پیروزی انقلاب و بعد از آن جنگ و دفاع مقدس، فرماندهان بزرگی با دست خالی در مقابل ۵۲ کشور جهان ایستادند و کار سترگی انجام دادند و مقام شهید برای ما عالی‌ترین مقام است و حتی متن اصلی سرود ملی ما به مقام شهید می‌پردازد.

■ با وجود پرداختن به این موضوع ها، این هنر تا چه حد از شعارزدگی به دور مانده و به بیان ناب عینی و حقیقی دست یافته است؟ و استفاده از اسطوره‌ها و نشانه‌ها چگونه در آثار هنرمندان ما نمود پیدا کرده است. آیا هویت ملی و بومی ایرانی جزئی از زیرساخت‌های این هنر را تشکیل می‌دهند یا خیر؟

در هنرهایی که پدیده‌های اجتماعی را روایت می‌کنند، یک بلافاصلگی و یک سرعت انتقال دیده می‌شود و تاریکی و شر در مقابل نور قرار می‌گیرد. بنابراین رابطه سیاه و سفید نه به عنوان روایت بصری، بلکه به معنایی که در نور روشنی و سفیدی قهرمانان را نمایش می‌دادند و در تاریکی شر و ظلم را به تصویر می‌کشیدند که اینها یک پیام بلافاصله‌اند. در نقش‌های شیر و گاو و اهرمن در سنگ نوشته‌ها و نقش برجسته‌های دوران ساسانی دیده شده است. به این ترتیب رابطه خیر و شر آناً خلق می‌شود.

■ منظورتان این است که بلافاصلگی در خلق رابطه میان خیر و شر، آن شعارزدگی را همواره با خود داشته؟

بله، در متن خودش دارد. انقلاب اسلامی ۳ روایت و دوره را در تصویر پشت سر می‌گذارد. دوره اول، آثار سال‌های ۵۳، ۵۴ و ۵۵ است که کارهای نسل اول انقلاب و کارهایی رمزی و مثالی است و پدیده‌های رمزنشانه‌ای در آنها دیده می‌شود. دوره تجلی دوره مظیفی مظلومیت بر طاغوت و مبارزه مردم با دست خالی در مقابل رژیم سمتشاهی بود که یک بخش آن نقاشی دیواری و بخش دیگر آن نقاشی اجتماعی بود که بیشتر در قالب گرافیک متجلی می‌شد. در مورد گرافیک هم باید بگویم که چون هنری کاربردی است از هر پدیده‌ای که به آن نگاه کنید یک گفتمان بلافاصله و شعار، نه به معنای پروپاگاندا، را در خود دارد و هنرمند این دوره برای این که قهرمانان و اسطوره‌ها را شناسایی می‌کند، دل در گرو آنها می‌سپارد، اسطوره‌ها و انسان‌های قهرمانی مانند خود امام حسین(ع) و...

در مورد بخش دوم سؤالتان باید بگویم که من اسطوره‌های ملی و اسلامی را منفک نمی‌کنم. قبل از این که اسلام وارد سرزمین ما شود، مردم ما دارای عرفانی نوستالژیک و یکتاپرست بودند و دلیل درک خورشید اسلام روح مشرقی مردم ایران بود. در یک جمع بندی می‌توان گفت که در کارهای دهه اول انقلاب آن اندیشه popular و مردمی نمایان بود و در کارهای دوره دوم خرد و تأویل راه یافته و نمادها رمزی و ژرف‌تر می‌شوند به طوری که مخاطب رمزها را در حافظه تاریخی خودش جست‌وجو می‌کند و این حرکت بزرگی بود که در دهه اول، دوم و سوم انقلاب به وجود آمد.

■ پس به اعتقاد شما به این هنر دائماً در حال تغییر و تکامل، امروز نیز باید از دریچه رمز و مثال نگاه کرد؟

بله، هنرمندان ما باید پرده‌های عینیت گرایی را از مقابل چشمانشان بزدایند و یک نگاه تأویلی و هرمنوتیک به نور داشته باشند، یعنی نور را در نور جست‌وجو کردن.

■ نگاه جامعه بین‌المللی به این هنر چگونه است. برگزاری ورک شاپ هنر مقاومت چقدر می‌تواند به ایجاد رهیافت‌های تازه در عرصه بین‌المللی سمت و سو دهد؟

جهان امروز شعارش اصالت تجربه است، یعنی مینی مالیسم و پست مدرنیسم می‌آید ترکیب جمع اضداد را از خردهای گوناگون و بخش‌های گوناگون تاریخ می‌گیرد. چون بشر امروز التهاب و سرعتی را در ذهنیتش دارد و فکر می‌کند، امروز پایان تاریخ است و می‌خواهد آبستراکت تجربه‌های ۱۹ قرن گذشته را در یک دوره ۱۰۰ ساله تنظیم شده و در یک پکیج و بسته ارائه دهد و مانند دوره کلاسیسیسم، نئوکلاسیک، رمانتی سیسم و... نیست که از یک مکتب یا حکمت ۴۰-۳۰ ساله بگذرد و همراهان آن طرح آن معنا را تکمیل کنند و به پستش برسند. هم اکنون در خرد سخن می‌گوید که در جهان زندگی می‌کند که خدا و پیامبرانی دارد که از صلح و سخن نیکو و حقیقت دفاع می‌کند.

■ تا به حال هنر مقاومت چقدر بر کارکردهای سیاسی یا ایدئولوژیکی متمرکز بوده؟

هنرمند انقلاب از ابتدا دارد پیروزی محرومین و مستضعفین را روایت می‌کند و پیروزی، پیروزی بخشی نیست. پیروزی برای بشریت است و اسوه‌هایش، اسوه‌هایی هستند که برای بشریت پیام‌آور بوده‌اند و در هر حال به شرط آن که نقد علمی و درستی صورت گیرد، چشم‌انداز خوبی را می‌بینم و می‌دانم که هنر مقاومت ما اگر با دقت، همکاری و خرد جمعی دولتمردان و هنرمندان طراز اول کشور برگزار شود، آن شعارزدگی، بلافاصلگی، تلخی گفتار و دیدار یک شعار محض که از اول هم به آن دچار نشد، در آن دیده نمی‌شود.

اگر در نمایشگاه هنر انقلاب که آثار هنری کشورهای دیگر هم نمایش داده شده، یک دور علمی و جدی می‌زدید و فاصله‌ها و نمادها را جست‌وجو می‌کردید، می‌دیدید که این نمادها البته در هر قومی تفاوت‌هایی دارد، ولی به لحاظ معنایی الگوها و نشانه‌ها با یک جابه جایی ساده در تصاویر و نشانه‌های اجتماعی، اتفاق افتاده است. در حالی که گستره ذهنی و دیداری رابطه‌ای که نقاش با یک آدم شهید برقرار می‌کند، بسیار وسیع‌تر و چند ساحتی‌تر است و هندسه مبنایی و کارکردی آن بسیار متفاوت است.

■ با یک اندازه‌گیری می‌توانیم دریابیم که حکمی تر، تأویلی تر و رمزی‌تر شد، اشاره می‌کنم. ببینید در تاریخ انقلاب روسیه، چین، کوبا و ... نهضت‌ها آرمان‌خواه بودند، ولی آمده بودند تا دست بخشی از بشریت را که بلند بود، بخوابانند و دست گروه دیگر را ببرند بالا. این نگاه بخشی را هنر انقلاب دنبال نمی‌کند، هنر انقلاب به دنبال یک انسان آرمانی و انسانی است که برای همه بشریت پیام دارد. همچنان که پیامبر اسلام برای همه بشریت پیام آور بود. در بلوک شرق قهرمانان سیاسی آمدند بخشی از جامعه را متحول کردند. در آن سیستم، قهرمانان تغییر می‌کنند. در حالی که این جابه جایی قدرت آفاتی هم در درونش دارد. آفتی که در بلندکردن دست بخش‌هایی از اجتماع وجود دارد، در هنر ما وجود ندارد.

■ یعنی در هیچ دوره‌ای این رویکرد در هنر انقلاب و جنگ دیده نمی‌شود؟

اگر نشانه‌هایی هم در دوره‌های اول می‌بینیم، به سرعت نقاش هوشمند دوران انقلاب می‌آید و رمزها و نمادهایش را شکوهمندتر و متعالی‌تر می‌کند. حرف هنرمند مسلمان هنر مقاومت، برای بشریت است، نه فقط برای یک دسته از انسان‌ها. او فقط از انسان مثالی سخن می‌گوید که در جهان زندگی می‌کند که خدا و پیامبرانی دارد که از صلح و سخن نیکو و حقیقت دفاع می‌کند.

■ تا به حال هنر مقاومت چقدر بر کارکردهای سیاسی یا ایدئولوژیکی متمرکز بوده؟

هنرمند انقلاب از ابتدا دارد پیروزی محرومین و مستضعفین را روایت می‌کند و پیروزی، پیروزی بخشی نیست. پیروزی برای بشریت است و اسوه‌هایش، اسوه‌هایی هستند که برای بشریت پیام‌آور بوده‌اند و در هر حال به شرط آن که نقد علمی و درستی صورت گیرد، چشم‌انداز خوبی را می‌بینم و می‌دانم که هنر مقاومت ما اگر با دقت، همکاری و خرد جمعی دولتمردان و هنرمندان طراز اول کشور برگزار شود، آن شعارزدگی، بلافاصلگی، تلخی گفتار و دیدار یک شعار محض که از اول هم به آن دچار نشد، در آن دیده نمی‌شود.

اگر در نمایشگاه هنر انقلاب که آثار هنری کشورهای دیگر هم نمایش داده شده، یک دور علمی و جدی می‌زدید و فاصله‌ها و نمادها را جست‌وجو می‌کردید، می‌دیدید که این نمادها البته در هر قومی تفاوت‌هایی دارد، ولی به لحاظ معنایی الگوها و نشانه‌ها با یک جابه جایی ساده در تصاویر و نشانه‌های اجتماعی، اتفاق افتاده است. در حالی که گستره ذهنی و دیداری رابطه‌ای که نقاش با یک آدم شهید برقرار می‌کند، بسیار وسیع‌تر و چند ساحتی‌تر است و هندسه مبنایی و کارکردی آن بسیار متفاوت است.

■ با یک اندازه‌گیری می‌توانیم دریابیم که حکمی تر، تأویلی تر و رمزی‌تر شد، اشاره می‌کنم. ببینید در تاریخ انقلاب روسیه، چین، کوبا و ... نهضت‌ها آرمان‌خواه بودند، ولی آمده بودند تا دست بخشی از بشریت را که بلند بود، بخوابانند و دست گروه دیگر را ببرند بالا. این نگاه بخشی را هنر انقلاب دنبال نمی‌کند، هنر انقلاب به دنبال یک انسان آرمانی و انسانی است که برای همه بشریت پیام دارد. همچنان که پیامبر اسلام برای همه بشریت پیام آور بود. در بلوک شرق قهرمانان سیاسی آمدند بخشی از جامعه را متحول کردند. در آن سیستم، قهرمانان تغییر می‌کنند. در حالی که این جابه جایی قدرت آفاتی هم در درونش دارد. آفتی که در بلندکردن دست بخش‌هایی از اجتماع وجود دارد، در هنر ما وجود ندارد.

■ یعنی در هیچ دوره‌ای این رویکرد در هنر انقلاب و جنگ دیده نمی‌شود؟

اگر نشانه‌هایی هم در دوره‌های اول می‌بینیم، به سرعت نقاش هوشمند دوران انقلاب می‌آید و رمزها و نمادهایش را شکوهمندتر و متعالی‌تر می‌کند. حرف هنرمند مسلمان هنر مقاومت، برای بشریت است، نه فقط برای یک دسته از انسان‌ها. او فقط از انسان مثالی سخن می‌گوید که در جهان زندگی می‌کند که خدا و پیامبرانی دارد که از صلح و سخن نیکو و حقیقت دفاع می‌کند.

■ تا به حال هنر مقاومت چقدر بر کارکردهای سیاسی یا ایدئولوژیکی متمرکز بوده؟

هنرمند انقلاب از ابتدا دارد پیروزی محرومین و مستضعفین را روایت می‌کند و پیروزی، پیروزی بخشی نیست. پیروزی برای بشریت است و اسوه‌هایش، اسوه‌هایی هستند که برای بشریت پیام‌آور بوده‌اند و در هر حال به شرط آن که نقد علمی و درستی صورت گیرد، چشم‌انداز خوبی را می‌بینم و می‌دانم که هنر مقاومت ما اگر با دقت، همکاری و خرد جمعی دولتمردان و هنرمندان طراز اول کشور برگزار شود، آن شعارزدگی، بلافاصلگی، تلخی گفتار و دیدار یک شعار محض که از اول هم به آن دچار نشد، در آن دیده نمی‌شود.

اگر در نمایشگاه هنر انقلاب که آثار هنری کشورهای دیگر هم نمایش داده شده، یک دور علمی و جدی می‌زدید و فاصله‌ها و نمادها را جست‌وجو می‌کردید، می‌دیدید که این نمادها البته در هر قومی تفاوت‌هایی دارد، ولی به لحاظ معنایی الگوها و نشانه‌ها با یک جابه جایی ساده در تصاویر و نشانه‌های اجتماعی، اتفاق افتاده است. در حالی که گستره ذهنی و دیداری رابطه‌ای که نقاش با یک آدم شهید برقرار می‌کند، بسیار وسیع‌تر و چند ساحتی‌تر است و هندسه مبنایی و کارکردی آن بسیار متفاوت است.

■ با یک اندازه‌گیری می‌توانیم دریابیم که

می‌توان گفت که در کارهای دهه اول انقلاب آن اندیشه popular و مردمی نمایان بود و در کارهای دوره دوم خرد و تأویل راه یافته و نمادها رمزی و ژرف‌تر می‌شوند

هنر مقاومت یک پیام کلی است که انسان فداکار و عزتخواه را هنگام مقاومت در برابر ظلم و بی‌تناسبی همراهی می‌کند و از نشانه‌ها و سمبل‌هایی استفاده می‌کند تا ظالم را سر جایش بنشاند

توجه به معیارهای زیباشناسی، انسان شناسی، مردم‌شناسی و ... در ذات هنری که می‌تواند در موقعیت‌هایی رویکردی تک بعدی به خود بگیرد، چگونه مطرح می‌شود؟

نقاش انقلاب از ابتدا به دنبال آن بود تا روایت و قرائت خودش را از عالم تعریف کند و به دنبال آن بود تا هر جایی کرامت انسان‌ها مخدوش می‌شود، از آن دفاع کند. ما اگر بدانیم پیام ما یک رسالت جهانی است، باید برای تعادل و تناسب در جهان حرف بزنیم و نهادها، گزاره‌ها و اشاره‌هایی که اختیار می‌کنیم، اشاره‌هایی جهانشمول‌تر و متعالی‌تر باشد. کسی که دارد این راه را طی می‌کند، قطعاً در منزلگاه‌های مختلف چیزهای عجیب می‌بیند. این شیوه‌های دیداری، شیوه‌های شکوهمندی است. جنس و چیستی آن با چیستی اومانیستی یا پیرومندی بخشی از جامعه که با تعداد بیشتر یا السلحه بیشتر دارند، نیست.

■ بر پایی ورک شاپ (workshop) اخیر برمبنای چه نوع سیاستگذاری شکل گرفته؟ آیا قرار است به تحول منجر شود یا راه تکرار را طی می‌کند؟ فکر می‌کنید نتایج آن تا چه حد به اهداف برگزارکنندگان آن نزدیک خواهد شد؟

می‌گویند: «دلت را خانه ماکن، مصفا کردنش با من». من اعتقاد راسخ دارم که همه چیز با نیت پیش می‌رود و این نیت است که شما را به سمت خیر جلو می‌برد و اگر حکمت و یقین و نه تعصب و نه دگماتیسم و نه پیچیدگی و شعارزدگی، داشته باشیم، جهاد بزرگ را مخاطبین خواهند دید. با انرژی که هنرمند به جهت راسخ ایستادن، حرف بزرگ زدن و باوری قطعی داشتن از خود بروز می‌دهد مخاطبان را پیدا خواهد کرد. نسل جدید، نسلی بسیار خاص و ویژه است و برخلاف آن چیزهایی که گاهی درباره انقطاع نسل‌ها مطرح می‌شود، این نسل، نسلی است که از دامن منزه اجتماعی شکل گرفته ولی نسل من نسلی‌اند که جوانه‌هایی هم در دوره‌های طاغوتی و ستمشاهی داشتیم، از طرفی هم حکم آداپتور را ایفا می‌کنیم و این برق و نشانه قوی را داریم به نسل بعدی انتقال می‌دهیم و نسل ما باید سالم، پاکیزه، تعالی‌خواه و قدرتمند باشد و اصرار بورزد و نمونه سازی کند و برای حرف‌هایش (refrenc) رفرنس و منبع و مأخذ داشته باشد. مثلاً دانشجوی من فقط نباید دست‌های مرا ببیند باید رفتار مرا هم ببیند چون هنرمند باید با اثرش یک گام و یکصدا باشد و نگاهی توحیدی و موحد داشته باشد. اگر من از عدالت اجتماعی صحبت کردم و زاویه‌هایی از این بال و بال فرشتگان را در کارم نشانه گرفتم، مخاطبم باید ببیند که خود من بر کجای این بال فرشته نشسته‌ام و در رفتار، مدیریت و نگاه من باید صلح و عشق و فداکاری را ببیند و تعادل و تناسب و ترکیب را دریافت کند و یک عرفان عملی را بیابد.

■ یعنی هنرمند باید ادامه اثرش باشد یا برنمکس؟!

صددرصد. توجه من به انسان و پیرامونم باید در آثارم مشهود باشد. جهانی بودن این انقلاب تنها به این معنی نیست که من چون به مردم مسلمان فلسطین علاقه مندم از آنها یاد می‌کنم در لبنان، مسیحی، یهودی، زرتشتی و ... دارند در کنار هم زندگی می‌کنند. من به عنوان یک مسلمان وظیفه دارم اگر یک یهودی هم مورد تعدی یک اسرائیلی قرار گرفت، از او دفاع کنم. هنرمند مسلمان، هنرمندی تعالی‌خواه است که برای صلح بشری در جهان تلاش می‌کند.

■ به این ترتیب ذهن برگزارکننده این نمایشگاه اختصاص به مخاطب قرار دادن یک گروه فلسطینی یا مسلمان و یا طرفداران یک ایدئولوژی یامکتب خاص ندارد؟

درست است. پهلوانی و پایمردی قهرمان بزرگ مسلمان، سید حسن نصرالله و بچه‌های مسلمان و فداکار حزب الله لبنان، شوق و ذوق حرکتی را ایجاد کرد. آنها نیامده‌اند که تنها مسلمانان را نجات دهند، آنها برای نجات بشریت جهاد می‌کنند. مسلمان برای صلح بزرگ قیام می‌کند و زمانی که قیام حضرت مهدی(عج) پیروز می‌شود، بشریت به دلیل نفوذ کلام و عدالتی که در بیان اسلام هست، مسلمان خواهند شد و ما وظیفه داریم برای دفاع از مظلومیت و صلح بشری کار کنیم.

■ چه ارزیابی‌ای از این ورک شاپ و نمایشگاه دارید؟

این گام را گام خوبی می‌بینم که قطعاً باید از عوام زدگی، بلافاصلگی و شعارزدگی و... به دور باشد. حتماً قرار نیست فقط دستمان آنجا کار کند. ما قبل از آن که پشت سه پایه بایستیم باید ذهن ابژه و آماده‌ای داشته باشیم و نمادها، رمزها، رنگ، کمپوزیسیون و این شیوه دیداری را حکیمانه و با بلوغ به مخاطب معرفی کنیم. این یک هیجان و بیان شعاری نیست، یک بیان کلی است که یقین دارم اگر آن را دنبال کنیم، نتیجه خوبی عایدمان خواهد شد.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

آگهی پذیرش دستیار تکمیلی تخصصی (فوق تخصص)

رشته پرستو ایمیلت

دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی بر اساس ضوابط و دستور العملهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهت آزمون دوره تکمیلی تخصصی آبان ماه ۱۳۸۶ در رشته پرستو ایمیلت دستیار می پذیرد.

تاریخ ثبت نام: ششم لغایت هشتم آبان ماه ۱۳۸۶

امتحان کتبی: شنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۸۶

امتحان شفاهی: دوشنبه ۱۷ آبانماه ۱۳۸۶

ثبت نام قبول شدگان: ۲۹ لغایت ۳۰ آبانماه ۱۳۸۶

شروع دوره: شنبه ۳ آذر ماه ۱۳۸۶

ظرفیت دوره : ۲ نفر

آن دسته از دکترا است که طول دوره متقاضی حداقل یکساله بوده و حداکثر ۱۸ ماه می باشد اولویت پس از قبولی در شرایط یکسان با اعضا هیات علمی دانشکده های دندانپزشکی کشور می باشد

- شروع دوره متوسط به پرداخت شهریه می باشد.
- رشته پیش نیاز: پروتزهای دندانی
- آزمون به زبان انگلیسی برگزار می گردد.

مدارک مورد نیاز

۱- ارائه فتوکپی حکم استخدامی (رسمی قطعی و یا رسمی آزمایشی - پیمانی و یا قرارداری) جهت اعضا هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور

۲- فتوکپی دانشنامه تخصصی اتمام کلیه تعهدات قانونی دوره تخصص

۳- فتوکپی شناسنامه از تمام صفحات

۴- ۳ قطعه عکس ۴×۳

۵- فتوکپی کارت پایان خدمت و یا معافیت دایم برای آقایان

آدرس: تهران، میرداماد، شهید چمران، اوین، جنب بیمارستان آبیا، طالقانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، ساختمان شماره یک، طبقه اول، اداره کل آموزش و تحصیلات تکمیلی، اتاق ۱۰۵

۱۶۱۰۴

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی